

Comparative Study of Identifying Factors Influencing the Enhancement of Environmental Quality in Urban Neighborhoods with Emphasis on Place Identity from the Perspective of Citizens and Design Engineers (Case Study: Qasr al-Dasht Neighborhood, Shiraz)

1. Mohammad Reza Beyzavi¹: Ph.D Student, Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

2. Tahereh Nasr^{2*}: Professor, Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

3. Hadi Keshmiri³: Associate Professor, Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Tahereh.nasr@iau.ac.ir

How to Cite: Beyzavi, M. R., Nasr, T., & Keshmiri, H. (2025). Comparative Study of Identifying Factors Influencing the Enhancement of Environmental Quality in Urban Neighborhoods with Emphasis on Place Identity from the Perspective of Citizens and Design Engineers (Case Study: Qasr al-Dasht Neighborhood, Shiraz). *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(2), 1-26.

Abstract:

Today, the issue of quality has become one of the emerging discussions in contemporary architecture and urban planning. Place identity and the application of its components lead to the enhancement of urban environmental quality. Therefore, assessing the qualitative status of these environments—including urban neighborhoods—and evaluating the level of satisfaction and use of these spaces, as well as efforts to strengthen the social interactions of all stakeholders in such urban environments, is essential. The purpose of this research is a comparative study aimed at identifying the factors influencing the enhancement of environmental quality in urban neighborhoods, with emphasis on place identity, from the perspectives of both citizens and design engineers. The selected area for this study is the Qasr al-Dasht neighborhood in the city of Shiraz, which is one of the old neighborhoods located in Shiraz. Urban planners believe that environmental and spatial quality is a key concept in regional and social planning and is associated with concepts such as quality of life, diversity of social spaces, physical characteristics, activities, spatial attachments, and urban identity. Understanding the relationship between humans and place is an essential requirement for comprehending place identity and its elements, and for improving urban environmental quality through its components. In this article, based on definitions, concepts, and criteria of environmental quality, and considering the stages of place identity formation, effective indicators of spatial quality were collected. Finally, these indicators were refined and localized according to the aims of the research. Based on the conducted studies in the selected area, the criteria were classified into three general categories: physical factors, activity-related factors, and semantic factors. Regarding semantic factors, it was observed that the criterion of wayfinding had the greatest influence, from the respondents' perspective, on the enhancement of environmental quality. Concerning activity-related factors, the presence of life and activity in the neighborhood after sunset was reported as having the most significant impact on environmental quality. Regarding physical and structural factors, physical connectivity was identified as having the greatest effect on improving environmental quality. The statistical population of the study consists of 306 residents of residential units in the Qasr al-Dasht neighborhood of Shiraz and 30 design engineers, all selected through simple random sampling. For analyzing the questionnaire data, SPSS statistical software was used, and the Friedman test was applied to rank and determine the importance of the criteria influencing neighborhood quality enhancement.

Keywords: environmental quality, place identity, design engineers, neighborhood, citizens.

Received: 19 February 2025

Revised: 30 August 2025

Accepted: 07 September 2025

Published: 21 September 2025

This article is taken from the doctoral thesis of "Mohammadreza Beyzavi" entitled "Compilation of Environmental Psychology Components in Academic Spaces with the Aim of Improving the Quality Level of Behavior Settings", which is being conducted in 1404 in the Department of Architecture, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran, under the guidance of "Dr. Tahereh Nasr" and the consultation of "Dr. Hadi Keshmiri".



مطالعه تطبیقی شناسایی عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تاکید بر هویت مکانی از دیدگاه شهروندان و مهندسين طراح (نمونه موردی: محله قصرالدشت شیراز)

۱. محمد رضا بیضاوی^{id}: دانشجوی دکترای تخصصی، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. طاهره نصر^{id*}: استاد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. هادی کشمیری^{id}: دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Tahereh.nasr@iau.ac.ir

نحوه استناددهی: بیضاوی، محمد رضا، نصر، طاهره، و کشمیری، هادی. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی شناسایی عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تاکید بر هویت مکانی از دیدگاه شهروندان و مهندسين طراح (نمونه موردی: محله قصرالدشت شیراز). تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۳(۲)، ۱-۲۶.

چکیده

امروزه بحث کیفیت به یکی از مباحث جدید در معماری و شهرسازی امروز تبدیل گردیده است. هویت مکان و به کارگیری مؤلفه های آن، ارتقاء کیفیت محیط شهری را به همراه خواهد داشت. لذا ارزیابی وضعیت کیفی این محیط ها، از جمله محلات شهری و میزان رضایت و استفاده از این مکان ها و همچنین تلاش برای ارتقاء تعاملات اجتماعی تمامی ذینفعان این گونه محیط های شهری امری ضروری است. هدف از این پژوهش، مطالعه تطبیقی شناسایی عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تاکید بر هویت مکانی از دیدگاه شهروندان و مهندسين طراح می باشد. محدوده انتخاب شده در این تحقیق، محله قصرالدشت شهر شیراز می باشد که یکی از محلات قدیمی واقع در شهر شیراز است. برنامه ریزان شهری معتقدند که کیفیت محیط و مکان یک مفهوم اصلی برای برنامه ریزی منطقه ای و اجتماعی است و با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، تنوع فضای اجتماعی، ویژگی های فیزیکی، فعالیت ها، وابستگی های مکانی و هویت شهری در ارتباط است. شناخت رابطه بین انسان با مکان، از ملزومات مورد نیاز در پی بردن به هویت مکان و عناصر آن و ارتقاء کیفیت محیط شهری با استفاده از مؤلفه های آن می باشد. در این مقاله، باتوجه به تعاریف، مفاهیم، و معیارهای کیفیت محیطی و در نظر گرفتن مراحل شکل گیری هویت مکانی، شاخص های مؤثر در کیفیت مکانی گردآوری شده و در نهایت باتوجه به آنها، به استخراج شاخص های مورد نظر در پژوهش و بومی کردن آن ها پرداخته شده است. باتوجه به مطالعات صورت گرفته در فضای مورد نظر معیارها به سه دسته کلی عوامل کالبدی، عوامل فعالیتی، عوامل معنایی تقسیم شده اند. برای عوامل معنایی ملاحظه شد که معیار پیدا کردن مسیر بیشترین تأثیر را از دید پاسخ دهندگان بر ارتقاء کیفیت محیطی داشته است. برای عوامل فعالیتی ملاحظه شد که جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله بیشترین تأثیر را از دید پاسخ دهندگان بر ارتقاء کیفیت محیطی داشته است و برای عوامل کالبدی و فیزیکی، ارتباط فیزیکی بیشترین تأثیر را بر ارتقاء کیفیت محیطی داشته است. جامعه آماری تحقیق، شامل ۳۰۶ نفر از ساکنان واحدهای مسکونی محله قصرالدشت شیراز و تعداد ۳۰ نفر از مهندسين طراح می باشند که با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده و از آزمون فریدمن برای رتبه بندی و میزان اهمیت معیارها در ارتقاء کیفیت محله استفاده شده است.

کلیدواژگان: کیفیت محیطی، هویت مکانی، مهندسين طراح، محله، شهروندان.

تاریخ دریافت: ۰۱ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴

این مقاله برگرفته از رساله دکتری «محمد رضا بیضاوی» با عنوان «تدوین مولفه های روانشناسی محیطی در فضاهای دانشگاهی با هدف ارتقای سطح کیفی قرارگاه های رفتاری» است که با راهنمایی «دکتر طاهره نصر» و مشاوره «دکتر هادی کشمیری» در سال ۱۴۰۴ در گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران در حال انجام است.



مجاز و حق نشر: © ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

محله‌های شهری یکی از کانون‌های خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. ارزش‌ها و هنجارهای محله‌ای نخستین برخورد ملموس افراد با هویت فرهنگی را شکل می‌دهند و اغلب به صورت مناسبات رویارویی، حس تعلق اجتماعی را تقویت می‌کنند. محله را می‌توان پس از خانواده، کوچکترین واحد مدنی (صرفنظر از مجتمع مسکونی) محسوب کرد. ارزش‌های انسانی- معنوی، سنت‌ها و آداب زیست شهرنشینان چنین نشان می‌دهد که دشوارترین و پرشورترین لحظه‌های زندگی آن‌ها در محله‌های مسکونی سپری شده است. فرهنگ محله‌ای در بطن زیست شهرنشینان ایران زمین، در طول تاریخ استمرار داشته است و بهمین سبب است که در جریان ترویج خانه‌سازی و شهرک‌سازی‌های نسنجیده دهه‌های اخیر توانسته است برخی ارزش‌ها و اندیشه‌ها و مفاهیم و سنت‌های معنوی را در زیست شهری پایدار نگه‌دارد (1). یکی از مسائلی که امروزه در نتیجه رشد روزافزون شهرها مورد توجه قرار گرفته، سطح کیفیت پایین محیط شهری و به تبع آن بحران هویت مکانی است، که در نتیجه تأثیرات منفی حاصل از آن بر استفاده‌کنندگان از این مکان‌ها هویدا می‌باشد. برای کنترل این بحران، رویکردها و نظریات متعددی با مؤلفه‌های متفاوت بیان شده است. تعاریف متعددی در خصوص ادراک محیطی مطرح شده است. ادراک فرآیندی هدفمند است که در طی آن فرد به دریافت ارسالات محیطی می‌پردازد. ادراک را می‌توان برآمده از فرهنگ و ارزش‌های ساختاری حاکم بر جوامع بشری دانست که با شناخت انسان از محیط پیرامون خود همراه است (2). ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را براساس نیازش از محیط خود برمی‌گزیند. در حقیقت ادراک محیطی، از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده‌اند حادث می‌شود. در این فرآیند نقش محیط به عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد (3). کیفیت محیط زیرمجموعه‌ای از کیفیت زندگی^۱ است. کیفیت زندگی به جنبه‌های کمی و کیفی توأمان می‌پردازد و بدون کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنیم معنایی ندارد. بنابراین می‌توان گفت که کیفیت محیط یک قسمت از کیفیت زندگی است و شامل تمام فاکتورهایی می‌شود که بخشی رضایت‌مندی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. کیفیت محیطی شهری در توجه توأماً به جنبه‌های کیفی و کمی عناصر شهری و اجزای تشکیل‌دهنده آن نهفته است. برنامه‌ریزان شهری معتقدند که کیفیت محیط یک مفهوم اصلی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اجتماعی است و با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، تنوع فضای اجتماعی، ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌ها، وابستگی‌های مکانی و هویت شهری در ارتباط است (4). امروزه کیفیت مکانی از مهمترین مفاهیم در برنامه‌ریزی اجتماعات و محله‌ها می‌باشد. این مفهوم توضیح دهنده تجارب شخصی مثبت از یک جای^۲ مشخص می‌باشد. این تجارب شامل روابط اجتماعی و خانوادگی، کیفیت محیطی مطلوب، فرصت‌های شغلی، تفریحات محلی، میراث تاریخی و فرصت‌های خلق مجدد می‌باشد. بهبودبخشی کیفیت زندگی و بطور همزمان حفظ و نگهداری استعدادهای شخصی مهمترین هدف این رویکرد می‌باشد. این مفهوم با مفاهیم دیگری همچون تعلق مکانی^۳، حسن مکان^۴، هویت مکانی^۵ و در نهایت هویت فردی ارتباط تنگاتنگی داشته است.

¹ Quality of Life² Place³ Place attachment⁴ Sence of Place⁵ Plce identity

الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت که در آن، اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق مطلوب کشور در پنج دهه آینده، ترسیم و تدابیر موثر برای دستیابی به آن طراحی شده، معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده است و بر اساس جهان بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی، اقلیمی و میراث فرهنگی ایران طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیری می‌باشد که باید برای حل مسائل مهم کشور و شکوفایی قابلیت‌های ماندگار ملی مدنظر قرار گیرد. شرایط موجود کشور ایران با پشتوانه تاریخی آن، نشان می‌دهد پژوهش در «حکمت» بستر مناسبی برای پیشرفت اسلامی ایرانی است و در این میان، حکمت معماری و شهرسازی به عنوان یکی از پیش شرط‌های برنامه ریزی پایدار می‌تواند مطرح باشد (5).

محدوده مورد مطالعه در این تحقیق، محله قصرالدشت شهر شیراز است. محله قصرالدشت یکی از محورهای مهم در استخوان‌بندی شهر شیراز می‌باشد. محله قصرالدشت مانند محلات دیگر شیراز در کنار امتیازات خود، دارای کمبودهایی در زمینه‌های مختلف می‌باشد. براین اساس می‌توان با بررسی وضعیت سطح کیفی این محله و عوامل مؤثر در میزان کیفیت ادراکی آن به سیاست‌ها و راهکارهای مناسبی در راستای ارتقاء کیفیت محیطی آن دست یافت. هدف از این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت محله قصرالدشت با تأکید بر مؤلفه هویت مکانی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

هر فضا و مکان، به‌عنوان یک منبع هویت است و گروه‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند، هویت می‌بخشد (ربانی، ۲۰۰۲). یک فضا برای ساکنان باید از یک هویت و از یک ساختار برخوردار باشد. یک شهر نیز به‌عنوان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های شناخته شده توسط انسان، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است دارای هویتی خاص است (6). هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد. این شخصیت و هویت خاص، با مؤلفه‌های متفاوتی تعریف و توصیف می‌شود. این مؤلفه‌ها که بر مبنای تفاوت شکل، محتوا و عملکرد ساختار ماهوی شهر را تشکیل می‌دهند در شهرهای مختلف متفاوت هستند. «هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی وی درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند» (7). در میان پژوهشگران هر دو گرایش پدیدارشناسی و روانشناسی محیطی، پروشانسکی و رلف، بیش از دیگران به عواملی که در فرآیند شکل‌گیری هویت مکانی مؤثرند اشاره کرده‌اند. پروشانسکی^۱ و همکارانش فرآیند شکل‌گیری هویت را این‌گونه بیان می‌کنند:

هویت مکانی با قرارگیری فرد در محیط و ضمن انجام فعالیت‌های روزمره و با پیشامدهای خاص شکل می‌گیرد. اجتماع سکونت که فرد در آن زندگی می‌کند، می‌تواند حاوی معانی شخصی باشد که به میزان تجربیات و تصاویر ذهنی از مکان به وجود می‌آیند (8).

رلف اعتقاد داشت تازمانیکه معانی مکان در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسان‌ها از مکان‌ها جستجو کرد. درواقع او، مکان را با حضور نشانه و روی‌دادن رخدادی تعریف می‌کند. با چنین رویکردی نسبت به مکان، خاطرات و تصاویر ذهنی (اعم از جمعی یا فردی) شکل‌دهنده هویت مکانی (اعم از جمعی یا فردی) خواهند بود (9). پاکزاد نیز فرآیند تشخیص هویت را این‌گونه بیان می‌کند: «فرآیند تشخیص هویت، فرآیندی است قیاسی بین عینیتی موجود با ذهنیت هر فرد با آن فضا. هر فضا با آنکه یک موجودیت خارجی مستقل است، ولی در فرآیند ادراک تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود. ما در فرآیند این همانی از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و فضا را با آن

می‌سنجیم. لذا تشخیص هویت درواقع نوعی ارزشگذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با اندوخته‌های ذهنی فرد از تجربیات مستقیم، فرهنگ و سنت او دارد.^۱ بهزادفر در کتاب هویت شهر، شکل‌گیری هویت مکانی را در دو مرحله می‌داند. در مرحله نخست فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود. در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد. در مقاله طاهره نصر و نگین واعظ زاده اسدی (۱۳۹۵) چنین بیان نموده‌اند که در گذشته انسان‌ها در هر کجا زندگی می‌کردند احساس ریشه‌داربودن در مکان و وابسته‌بودن به مکان در آن‌ها وجود داشت. امروزه یکسان و یکنواخت شدن اکثر مکان‌ها و فقدان هویت مکان به‌عنوان یک بعد از بحران هویت شناخته شده است. در راستای احراز این مهم می‌توان گفت که فرهنگ، تاریخ و مکان عوامل بروز خاطرات جمعی در ذهن افراد جامعه هستند، بنابراین فرهنگ، تاریخ، جامعه و مکان به‌عنوان چهار مؤلفه بروز هویت مکان معرفی گردیده‌اند. مکان از دیدگاه حکما دارای سه وجه است: ساختار مکان که دارای حد و اندازه است. شاخصه‌ای واحد و یا هویتی است که تک تک عناصر فضا می‌باید داشته باشند تا بدان فضا اطلاق مکان شود. مکان محدودکننده و تعریف‌کننده فضا بوده است (2, 5, 10). به نقل از کارمونا، رلف معتقد است که هرچند بی‌شکل و نامحسوس، هر زمان که ما فضا را درک و احساس می‌کنیم، به‌نوعی مفهوم مکان نیز شکل می‌گیرد. برای رلف مکان‌ها پایگاه‌هایی معنایی هستند که در طول زندگی براساس رویدادی شکل گرفته‌اند.

در این مقاله با اشاره مختصری به تعاریف در ارتباط با هویت، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی پرداخته و با رویکردی استدلالی، استنتاجی مقوله بیان شده را واکاوی می‌کند. نتایج مقاله نشان از آن دارد که هویت شهر، حالتی ذاتی داشته که بر کالبد شهر تأثیر می‌گذارد. لذا سیمای کالبدی شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان‌بینی خاص را از فرهنگ و ساختار اجتماعی دیگر متمایز می‌کند. درواقع در بستر جریانی دوسویه هویت کالبد شهر شکل می‌گیرد و پس از شکل‌گیری، کالبد شهر موجود، باعث استمرار تحولات و بالتبع تغییراتی پویا در مفاهیم و مولفه‌های هویتی یک سرزمین در بستر تعاملاتی دوسویه می‌شود. با مطرح شدن مفهوم مکان و ارتباط میان انسان و مکان‌های شهری در شهرسازی طی دهه‌های اخیر، شهرسازان بسیاری کوشیدند تا شاخص‌های کیفیت مطلوب محیط‌های شهری را معرفی نمایند.

مبانی نظری

مؤلفه‌های هویت مکان، به‌صورت عوامل کالبدی، احساسات و معانی و فعالیت‌ها می‌باشند که عوامل کالبدی از نظر فریتز استیل^۱ عوامل مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (11). عوامل معنایی برطبق نظریه‌های شولتز، رلف و لینچ می‌باید در خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ارتباطات روانی، ادراک فردی و گروهی و فهمیدن جستجو نمود (2). لذا مکان زمانی معنا پیدا می‌کند که درک حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود برجای گذاشته باشد. بنابراین فضاهایی در ذهن شهروندان ماندگار می‌شود که از خوانایی مسیر یا اماکن موجود و امکان به‌خاطر سپردن آن‌ها توسط ناظر در عین حال بازشناسی مسیر و جهت‌یابی درست برخوردار باشد تا تشخیص آن‌ها برای مردم سخت نباشد. این‌ها عواملی هستند که در ایجاد یک تصویر ذهنی در شهروندان کمک می‌نمایند (7, 12).

از دیگر ویژگی‌های مکان که باعث ارتقاء حس مکان می‌گردد، فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان است. بنابراین تعاملات اجتماعی مرتبط با مکان به‌عنوان زیرمؤلفه‌ای از فعالیت‌ها تلقی می‌شود (4). علاوه بر مطالب گفته شده، باتوجه به نظرات کارمونا، طریقی که مکان‌ها در طول زمان به‌وسیله آن اداره شده و کنترل می‌شوند، نیز مؤثر بر حس مکان می‌باشد. نصر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان « جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز) » چنین بیان نموده است که فضا علاوه بر کالبد خویش و مضاف بر ویژگی‌های هندسی و زیبایی‌شناسی این کالبد، واجد معنا و یا معانی نیز می‌باشد که در خاطره جمعی جامعه نقش می‌بندد. علاوه بر آن، عملکردهایی را نیز در مقاطع زمانی مختلف می‌توان برای هر فضا تعریف کرد که با استناد به مجموعه این‌ها تعریف شقوق مختلف هویت فضاهای شهری ایرانی (هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی) امکان‌پذیر می‌گردد. هویت هر دوره را ویژگی‌ها و امتیازات آن دوره نسبت به دوره پیش مشخص می‌سازد. عناصر طبیعی، ساختارها و کالبدهای مصنوعی، ترکیب اقوام و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حوادث تاریخی موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آن‌ها در دوره‌های مختلف سبب شناسایی تمایزات هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شکلی آن شهر را سبب می‌گردد (2). نصر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای دیگر با عنوان « تبیین مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر سنتی ایران »، مدل «مؤلفه‌های مؤثر در کالبد شهر» را در چهار شهر ایرانی شیراز، اصفهان، یزد و بوشهر بررسی نموده است. نتایج حاصل حاکی از وجود مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اقلیمی و اقتصادی در شکل شهر سنتی ایرانی می‌باشد و در شهر اصفهان سیاست، شیراز فرهنگ، بوشهر اقتصاد و یزد اقلیم بر هویت کالبدی شهر دارای تأثیر بیشتری بوده است (10).

ایان بنتلی و همکارانش در سال ۱۹۸۵ با چاپ کتاب « محیط‌های پاسخده »، یکی از مشهورترین مجموعه کیفیت‌های شهری را ارائه کردند. در این کتاب هفت معیار کلیدی برای خلق مکان‌های مطلوب ذکر شده است. این کیفیات عبارتند از:

- نفوذپذیری: به مفهوم تأمین دسترسی فیزیکی و بصری به نقاط مختلف،
- گوناگونی: به‌منظور حضور تنوع عملکردی، تنوع فرم‌ها و تنوع اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان‌های شهری،
- خوانایی: به مفهوم قابلیت قرائت سهل محیط و راهیابی به نقاط و نشانی‌های موردنظر.
- انعطاف‌پذیری: به‌مفهوم توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و ماوا دادن فعالیت‌های گوناگون در خود.
- تناسبات بصری: به مفهوم متناسب بودن خصوصیت بصری محیط با عملکرد و معنی محیط مزبور.
- غنای حسی: به مفهوم توجه به ظرافت و ریزه‌کاری در محرک‌های حسی مختلف (و نه صرفاً محرک‌های بصری). به این مفهوم که ساکنان و شهروندان قادر باشند به طریقی مهر و نشان خود را بر فضای شهری بزنند به گونه ای آن را متعلق به خود و شخصی نمایند (7).

یکی دیگر از مجموعه کیفیت‌های شهری مطرح شده توسط صاحب‌نظران رویکرد مکانی، مجموعه‌ای است که آلن جیکوبز و داندل اپلبارد در سال ۱۹۸۷ در مقاله‌ای تحت عنوان « به‌سوی یک بیانیه طراحی شهری » در ژورنال انجمن شهرسازان آمریکا منتشر نمودند. در این مجموعه، هفت هدف به عنوان «ضرورت‌های آینده یک محیط شهری خوب» معرفی شده است:

- سرزندگی: یک شهر می‌بایست مکانی باشد که همه بتوانند در آن با آسایش نسبی زندگی کنند.
- هویت و کنترل: مردم باید احساس کنند که بخشی از محیط، فردی یا جمعی، به آن‌ها تعلق دارد، چه مالک آن باشند چه نباشند.

- دسترسی به فرصت‌ها، امکان خیال‌پردازی و لذت‌بخشی: مردم باید شهر را مکانی بدانند که می‌توانند سنت‌ها را بشکنند، تجارب خود را گسترش دهند و لذت ببرند.
- اصالت و معنا: افراد باید بتوانند شهر خود(یا دیگران)، عملکردها و مؤسسات عمومی آن و فرصت‌هایی که در اختیار می‌گذارد را درک کنند.
- زندگی اجتماعی و همگانی: شهرها می‌بایست مشارکت شهروندان در جامعه و زندگی عمومی را ارتقاء ببخشند.
- خوداتکایی شهری: شهرها به طور فزاینده ای لازم است در مصرف انرژی و منابع کمیاب خود پایدار باشند.
- محیطی برای همه: محیط‌های خوب باید برای همه قابل دسترس باشند. هر شهروندی حق دارد از حداقل سرزندگی محیط و هویت، کنترل و فرصت‌ها بهره‌بردار (13).

به‌طورکلی، شاخص‌ها و زیرشاخص‌های ارتقاء کیفیت محیط شهری با تأکید بر مؤلفه‌های مکانی از دید تعدادی از نظریه‌پردازان شهری در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. معیارهای کیفیت محیط با تأکید بر مؤلفه هویت مکان

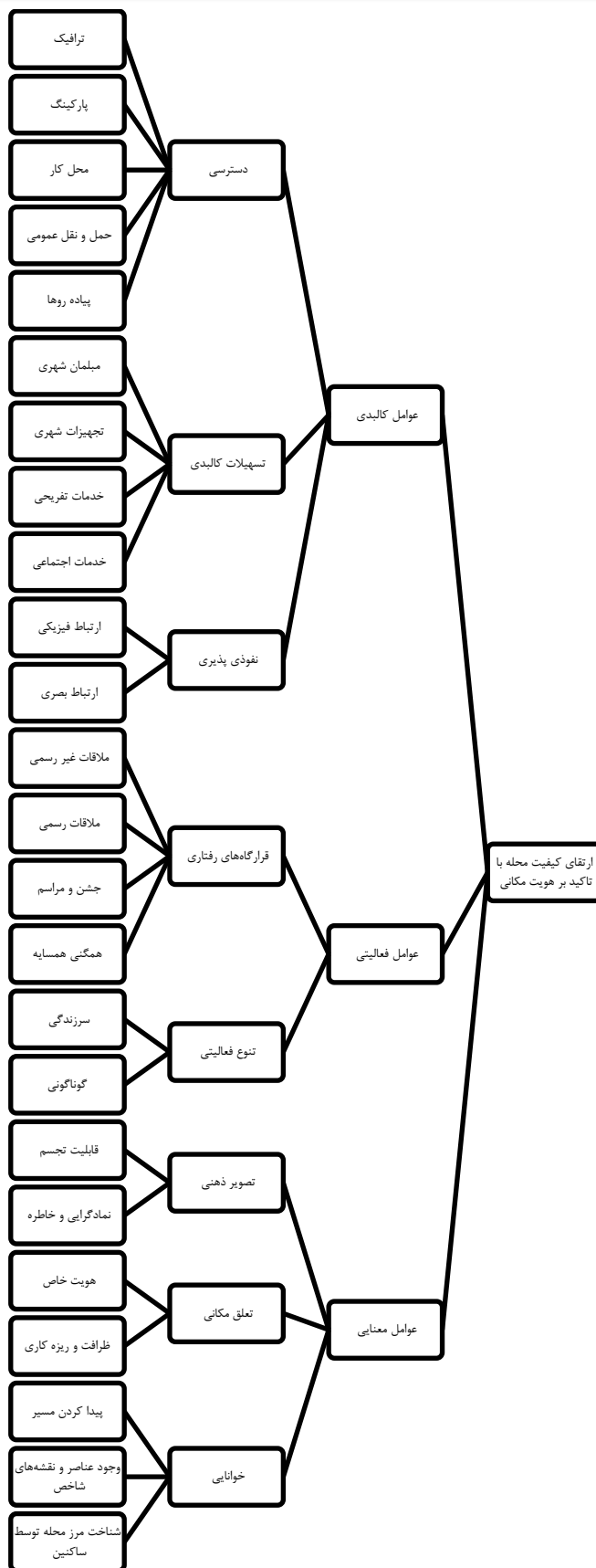
نام	شاخص	زیرشاخص
سیستم کنترل پیشنهادی دولت مرکزی انگلستان	قرارگاه و خصوصیات سایت	توپوگرافی، لندسکیپ منظر شهری، دیده‌ها، رؤیت پذیری، منظر خیابان
	طرح و نقشه	فضاهای خارجی، دسترسی و پارکینگ اتومبیل، خدمات رسانی، معابر پیاده، دسترسی معلولین
	نورو صدا	محوطه سازی، درختان فضاهای واجد اهمیت ویژه، ملاحظات خاص برای حفاظت درختان
	فضاهای باز	حفاظت فضاهای باز طبیعی در شهر و حومه، حفظ فضاهای باز شهری موجود
پانتر و کارمونا (۱۹۷۱)	امنیت	طرح کالبدی با قابلیت پیشگیری از بزه، نورپردازی و مراقبت، محیط سرزنده و کاهنده جرائم، امکان نظارت و مراقبت غیرمحسوس
	کاربری زمین مختلط و کاربرد اجتماعی زمین	ارزش منفی داشتن جداره‌های شهری بی جان بدون مغازه‌های خرده فروشی
	پایداری	حفظ مطلوبیت و زیبایی‌های طبیعی، محیط‌های تاریخی، پیشگیری از توسعه-های کم تراکم، کاستن از نیاز به سفرهای شهری از طریق طراحی مناسب، طراحی ابنیه کم مصرف از نظر انرژی
	پایداری زیست محیطی	سروصدا، انرژی جهت گیری، بوم‌شناسی، حفاظت طبیعت، مصالح، فرم شهری
کیفیت منظر شهری	کیفیت دیدها	کاراکتر، بافت، منظر شهری، نشانه ریخت‌شناسی، عناصر چشم انداز
	کیفیت فرم شهر	کریدورهای دید، خط آسمان، چشم‌اندازها، کنترل احداث بناهای مرتفع
	کیفیت عرصه همگانی	تراکم، توده احجام، عرصه زندگی خصوصی، نور و آفتاب‌گیری، اندازه قطعات، خط آسمان، سایه‌اندازی، فاصله ساختمان‌ها، نسبت پوشش سایت/قطعه، محصوریت فضا
	کیفیت فرم ساختمان	مقیاس، ارتفاع، فرم، حجم، اندازه، تیپ خانه‌ها
کیفیت عرصه همگانی	کیفیت دسترسی، طرح، ایمنی، بزه کاری، دسترسی معلولین، فضای همگانی، هنرهای همگانی، شبکه فضاهای باز	

چین جیکوبز (۱۹۶۱)	ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب، استفاده از کاربری مختلط (چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سبب‌های مختلف)
ویولیچ (۱۹۸۳)	قرائت‌پذیری محیط، آزادی انتخاب، ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرم‌های شهری، امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی، به گوش رسیدن آوای گذشته به مفهوم قابل قرائت بودن میراث‌های فرهنگی، لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه‌ای در قالب طرح‌ها
راجر ترانیک (۱۹۸۶)	حفظ تسلسل حرکت‌ها، محصوریت فضاها، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها، ممزوج نمودن فضاهای درون و برون
کولمن (۱۹۸۷)	حفاظت تاریخی و مرمت شهری، طراحی برای پیاده، سرزندگی و تنوع استفاده، بسترو محیط طبیعی، توجه و ارزش‌های معمارانه محیط
گرین (۱۹۹۲)	عملکرد: ارتباط، امنیت، آسایش اقلیمی، تنوع نظم: انسجام، وضوح، پیوستگی، تعادل، هویت: شکل دادن به کانون‌ها، وحدت، شخصیت، خاص بودن جذابیت: مقیاس، تناوب بصری و عملکردی، سرزندگی، هارمونی
برایان گودی (۱۹۹۳)	سرزندگی، هارمونی با بستر موجود، تنوع، مقیاس انسانی، نفوذپذیری، امکان شخصی‌سازی مکان، خوانایی، انعطاف پذیری، امکان تحول سنجیده و کنترل شده، غنا
هاتن و هانتز (۱۹۹۴)	تنوع، تمرکز، دموکراسی، نفوذپذیری، امنیت، مقیاس مناسب، طراحی ارگانیک، اقتصاد و ابزارهای مناسب آن، روابط خلاقانه، انعطاف پذیری، مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها
نلسن (۱۹۹۴)	رعایت مقیاس انسانی، مسئولیت پذیری مبتنی بر بوم‌شناسی، ترویج پیاده‌گرایی، پیش‌بینی هسته‌ها در طرح‌ها، توجه به منظر خیابان، تنوع، کاربری مختلط و چندگانه، استفاده از واژگان طراحانه معین، تعمیر و نگهداری دایمی محیط شهری

عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تاکید بر هویت مکانی به سه دسته عوامل معنایی، عوامل فعالیتی و عوامل فیزیکی و کالبدی تقسیم شده که هر کدام از آنها نیز به زیر عامل‌هایی تقسیم بندی می‌شوند که در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تاکید بر هویت مکانی

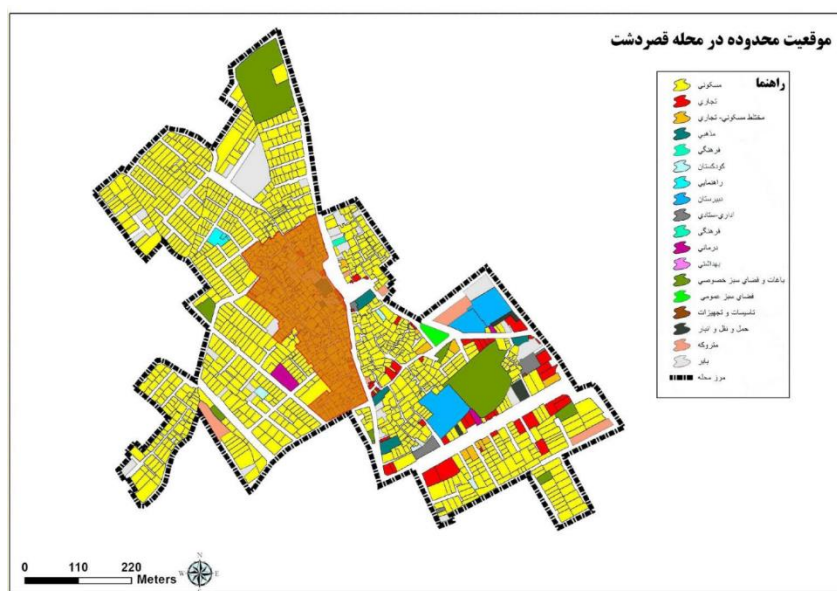
عوامل موثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تاکید بر هویت مکانی	
عوامل معنایی	پیدا کردن مسیر وجود عناصر و نشانه‌های خاص قابلیت تجسم هویت خاص نمادگرایی و خاطره شناخت مرز محله توسط ساکنین ظرافت و ریزه کاری مکان
عوامل فعالیتی	جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی سهیم شدن با هم محله ای‌ها در تجارب خاص استفاده کردن مردم در سن‌های مختلف از محله وجود تنوع امکانات و خدمات در محله اتفاق افتادن فعالیت‌های مختلف در محله
عوامل کالبدی	ارتباط فیزیکی ارتباط بصری پارکینگ حمل و نقل عمومی تجهیزات شهری محل کار مبلمان شهری خدمات تفریحی ترافیک پیاده روها خدمات اجتماعی



شکل ۱. معیارها و زیرمعیارهای مورد نظر پژوهش

محدوده مورد مطالعه

محله قصرالدشت یکی از قدیمی‌ترین محله‌های شیراز است که در شمال غربی این شهر قرار دارد و در قدیم به «مسجد بردی» هم شهرت داشته است، که دلیل آن وجود یک مسجد سنگی مربوط به قرن ششم هجری در این محله است که کتیبه‌های سنگی آن هنوز در مسجد رئیس احمدی قصرالدشت موجود است. علت نام این محله هنوز مشخص نیست زیرا در این محله نه قصری وجود دارد و نه دشتی که بتوان این نام را به آن تعمیم داد. ولی براساس قول قدما، بزرگان و فرهیختگان این محل مانند محمود شعبانی (صاحب کتاب مجموعه اشعار هزارباغ) و علیرضا شاپور شهبازی (باستان‌شناس شهر ایران) نام باستانی این منطقه هزار باغ بوده که با توجه به عمارت‌های زیبایی که در بعضی از باغ‌های این محل مانند باغ نوابی وجود داشته است مانند نگین و قصری مقابل دشت شیراز خود نمایی می‌کرده و می‌درخشیده است. خیابان قصرالدشت، خیابانی است طولانی با امتداد جنوب شرقی به شمال غربی. از چهارراه ۱۵ خرداد (پارامونت سابق) در جنوب شرقی آغاز می‌شود و به میدان قصرالدشت در شمال غربی ختم می‌گردد. این خیابان در طول مسیر خود از محله‌های بسیاری می‌گذرد و خیابان‌های فرعی زیادی از آن منشعب می‌شوند. در شکل (۲) محله قصرالدشت شیراز نشان داده شده است.



شکل ۲. محله قصرالدشت شیراز محدوده مورد مطالعه تحقیق

مواد و روش تحقیق

در این مقاله، باتوجه به تعاریف، مفاهیم، و معیارهای کیفیت محیطی و درنظرگرفتن مراحل شکل‌گیری هویت مکانی، شاخص‌های مؤثر در کیفیت مکانی گردآوری شده و درنهایت باتوجه به آن‌ها به استخراج شاخص‌های مورد نظر در پژوهش و بومی‌کردن آن‌ها پرداخته شده است. سپس پرسش‌های متناظر با هر شاخص جهت شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت محیط با تأکید بر مؤلفه هویت مکانی در محدوده مطالعاتی بحث و بررسی گردیده است. باتوجه به شاخص‌های بیان شده، می‌توان معیارهایی را برای تعیین اجزاء و عناصر تأثیرگذار بر کیفیت محیط شهری با تأکید بر مؤلفه هویت مکانی درنظرگرفت که برخی از آن‌ها نقش مهمتری را در محدوده دارند. باتوجه به مطالعات صورت گرفته در فضای مورد نظر معیارها به سه دسته کلی تقسیم شده اند که عبارتند از: ۱-عوامل

کالبدی، ۲-عوامل فعالیتی، ۳-عوامل معنایی. هرکدام از این معیارها باتوجه به محدوده مطالعاتی موردنظر به زیرمعیارهایی تبدیل شده اند که در شکل (۱) ارائه شده است. در پرسشنامه تحقیق میزان مطلوبیت مؤلفه‌ها و امتیازی که پاسخ دهنرگان به آن‌ها می‌دهند از مقیاس لیکرت ۵ طیفی استفاده می‌شود. در این تحقیق ۳۰۶ نفر از اهالی محله قصرالدشت شیراز به همراه تعداد ۳۰ نفر از مهندسين طراح، سؤالات پرسشنامه را در ۵ طیف بسیار زیاد تا بسیار کم پاسخ می‌دهند. مقیاس لیکرت یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری پاسخ‌های سؤالات می‌باشد. نتایج نظرات شهروندان و مهندسان طراح، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ مورد ارزیابی قرار گرفته تا میزان کیفیت و مطلوبیت مؤلفه‌های منتخب بدست آید. در این مقاله از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای نمونه‌گیری استفاده شده است. پایایی تحقیق با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ بدست آمده است. این روش برای محاسبه همابستگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به کار می‌رود.

یافته‌ها

باتوجه به جدول (۳) آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرهای مورد نظر در پرسشنامه هم برای شهروندان و هم برای مهندسين طراح بیش از ۰/۷۵ بوده و بنابراین قابل قبول است. در این تحقیق از روایی صوری که یکی از انواع اعتبار محتوایی است برای سنجش روایی استفاده شده است (جدول ۳).

جدول ۳. پایایی تحقیق

شهروندان	مهندسين طراح	عوامل	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل معنایی	عوامل معنایی	عوامل	۰/۷۱۵
عوامل فعالیتی	عوامل فعالیتی	عوامل	۰/۸۲۱
عوامل کالبدی	عوامل کالبدی	عوامل	۰/۷۵۹
کلی	کلی	عوامل	۰/۷۶۵
		عوامل	۰/۷۵۱

برای تعیین ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان، مشخصات مربوط به آنها، با استفاده از اطلاعات مندرج در پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است و آمار توصیفی مربوط به آنان به تفکیک ویژگی‌های مختلف در جدول توزیع فراوانی، محاسبه شده است. از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی و میزان اهمیت معیارها در ارتقاء کیفیت محله استفاده گردیده است. آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دوطرفه (برای داده‌های ناپارامتریک) به روش رتبه‌بندی به کار می‌رود.

برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز، از فرمول آماری کوکران استفاده شده است (فرمول ۱):

$$n = \frac{nz^2pq}{nd^2 + z^2pq} \quad \text{فرمول شماره (۱)}$$

با توجه به حجم جامعه و بهره‌گیری از فرمول بالا، حجم نمونه پس از محاسبه تعداد ۳۰۶ نفر برای شهروندان و تعداد ۳۰ نفر برای مهندسين طراح برآورد گردید.

باتوجه به اطلاعات بدست آمده از جدول (۴) ملاحظه می شود که تعداد پاسخ دهندگان زن به پرسشنامه در قسمت شهروندان ۱۲۳ نفر و تعداد مردان ۱۸۳ نفر و در قسمت مهندسين طراح پاسخ دهندگان زن ۱۱ نفر و تعداد مردان ۱۹ نفر بوده است و ملاحظه می گردد که در هر دو قسمت تعداد مردان بیشتر از زنان است (جدول ۴).

جدول ۴. جنسیت پاسخ دهندگان

جنسیت	شهروندان		مهندسين طراح	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زن	۱۲۳	۴۰/۲	۱۱	۳۶/۶۶
مرد	۱۸۳	۵۹/۸	۱۹	۶۳/۳۳
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به اطلاعات بدست آمده از جدول (۵) ملاحظه می شود که در قسمت شهروندان، سن افراد پاسخ دهنده زیر ۲۱ سال ۳۱ نفر و معادل ۱۰/۱ درصد و افراد بین ۲۱ تا ۳۱ سال ۵۲ نفر و معادل ۱۷ درصد و افراد بین ۳۱ تا ۴۱ سال ۸۰ نفر و معادل ۲۶/۱ درصد و افراد بین ۴۱ تا ۵۵ سال ۱۰۰ نفر و معادل ۳۲/۷ درصد و افراد بیشتر از ۵۵ سال ۴۳ نفر و معادل ۱۴/۱ درصد می باشد و در قسمت مهندسين طراح، افراد زیر ۲۱ سال وجود نداشته و افراد بین ۲۱ تا ۳۱ سال ۶ نفر معادل ۲۰ درصد و افراد بین ۳۱ تا ۴۱ سال ۱۰ نفر و معادل ۳۳/۳۳ درصد و افراد بین ۴۱ تا ۵۵ سال ۱۲ نفر و معادل ۴۰ درصد و افراد بالاتر از ۵۵ سال ۲ نفر و معادل ۶/۶۶ درصد می باشند (جدول ۵).

جدول ۵. سن پاسخ دهندگان

	شهروندان		مهندسين طراح	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیر ۲۱ سال	۳۱	۱۰/۱	۰	۰
بین ۲۱ تا ۳۱ سال	۵۲	۱۷	۶	۲۰
بین ۳۱ تا ۴۱ سال	۸۰	۲۶/۱	۱۰	۳۳/۳۳
بین ۴۱ تا ۵۵ سال	۱۰۰	۳۲/۷	۱۲	۴۰
بالاتر از ۵۵ سال	۴۳	۱۴/۱	۲	۶/۶۶
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به جدول (۶) ملاحظه می شود که در قسمت شهروندان، افراد با مدرک تحصیلی زیر دیپلم و دیپلم ۶۳ نفر و معادل ۲۰/۶ درصد و فوق دیپلم ۹۲ نفر معادل ۳۰/۱ درصد و لیسانس ۱۰۶ نفر معادل ۳۴/۶ درصد و فوق لیسانس و بالاتر ۴۵ نفر معادل ۱۴/۷ درصد از کل ۳۰۶ نفر را تشکیل می دهند، و در قسمت مهندسين طراح، افراد زیر دیپلم و دیپلم و فوق دیپلم مسلماً وجود نداشته و افراد لیسانس ۱۴ نفر معادل ۴۶/۶۶ درصد و افراد فوق لیسانس و بالاتر ۱۶ نفر و معادل ۵۳/۳۳ درصد را از مجموع ۳۰ نفر را تشکیل می دهند (جدول ۶).

جدول ۶. تحصیلات پاسخ دهندگان

تحصیلات	شهروندان		مهندسين طراح	
	فراواني	درصد	فراواني	درصد
زیر دیپلم و دیپلم	۶۳	۲۰/۶	۰	۰
فوق دیپلم	۹۲	۳۰/۱	۰	۰
لیسانس	۱۰۶	۳۴/۶	۱۴	۴۶/۶۶
فوق لیسانس و بالاتر	۴۵	۱۴/۷	۱۶	۵۳/۳۳
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به جدول (۷) ملاحظه می شود که در قسمت شهروندان، افراد دانش آموز و دانشجو ۵۱ نفر معادل ۱۶/۷ درصد و افراد کارمند ۶۲ نفر معادل ۲۰/۳ درصد و افراد با شغل آزاد ۷۰ نفر معادل ۲۲/۹ درصد و افراد خانه دار ۹۷ نفر معادل ۳۱/۷ درصد و افراد بازنشسته ۱۶ نفر معادل ۵/۲ درصد و افراد بیکار ۱۰ نفر معادل ۳/۳ درصد از کل حجم نمونه را شامل می شوند، و در قسمت مهندسين طراح، تمامی ۳۰ نفر، دارای پروانه طراحی از سازمان نظام مهندسی بوده و همگی در حوزه طراحی فعالیت دارند (جدول ۷).

جدول ۷. اشتغال پاسخ دهندگان

وضعیت اشتغال	شهروندان		مهندسين طراح	
	فراواني	درصد	فراواني	درصد
دانش آموز و دانشجو	۵۱	۱۶/۷	*	*
کارمند	۶۲	۲۰/۳	*	*
آزاد	۷۰	۲۲/۹	*	*
خانه دار	۹۷	۳۱/۷	*	*
بازنشسته	۱۶	۵/۲	*	*
بیکار	۱۰	۳/۳	*	*
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به جدول (۸) ملاحظه شد که در قسمت شهروندان، افرادی که کمتر از یک سال در این محل زندگی می کردند ۱۶ نفر معادل ۵/۲ درصد و کسانی که بین ۱ تا ۵ سال ساکن بودند ۶۳ نفر معادل ۲۰/۶ درصد و افرادی که بین ۵ تا ۱۰ سال در محله ساکن بودند ۱۰۲ نفر معادل ۳۳/۳ درصد و افرادی که بین ۱۰ تا ۱۵ سال در این محله زندگی می کردند ۷۵ نفر معادل ۲۴/۵ درصد و افرادی که بیشتر از ۱۵ سال در این محله ساکن بودند ۵۰ نفر معادل ۱۶/۳ درصد از کل حجم نمونه بودند و در قسمت مهندسين طراح، افرادی که کمتر یک سال در این محل زندگی می کردند ۱۷ نفر و معادل ۵۶/۶۶ درصد و افرادی که بین ۱ تا ۵ سال ساکن بودند ۱۰ نفر و معادل ۳۳/۳۳ درصد و افرادی که بین ۵ تا ۱۰ سال ساکن بودند ۲ نفر و معادل ۶/۶۶ درصد و افرادی که بین ۱۰ تا ۱۵ سال ساکن بودند ۱ نفر و معادل ۳/۳۳ درصد و افرادی که سکونت آن ها بیشتر از ۱۵ سال باشد وجود نداشتند (جدول ۸).

جدول ۸. مدت سکونت در محله برای پاسخ دهندگان

	شهروندان		مهندسين طراح	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کمتر از یک سال	۱۶	۵/۲	۱۷	۵۶/۶۶
بین ۱ تا ۵ سال	۶۳	۲۰/۶	۱۰	۳۳/۳۳
بین ۵ تا ۱۰ سال	۱۰۲	۳۳/۳	۲	۶/۶۶
بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۷۵	۲۴/۵	۱	۳/۳۳
بیشتر از ۱۵ سال	۵۰	۱۶/۳	۰	۰
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به جدول (۹) ملاحظه شد که در قسمت شهروندان، از بین پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه ۱۵۶ نفر و معادل ۵۱ درصد مالک و ۱۵۰ نفر و معادل ۴۹ درصد نیز مستأجر بودند و در قسمت مهندسين طراح، تعداد مالکین ۲۱ نفر معادل ۷۰ درصد و تعداد مستأجرین ۹ نفر معادل ۳۰ درصد بودند، و همانطور که مشاهده می‌شود در هر دو قسمت، تعداد مالکین از تعداد مستأجرین بیشتر است (جدول ۹).

جدول ۹. مالکیت واحد مسکونی برای پاسخ دهندگان

	شهروندان		مهندسين	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مالک	۱۵۶	۵۱	۲۱	۷۰
مستأجر	۱۵۰	۴۹	۹	۳۰
سایر	۰	۰	۰	۰
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به جدول (۱۰) ملاحظه شد که در قسمت شهروندان، از بین پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه ۱۶۵ نفر معادل ۵۳/۹ درصد ساکن خانه آپارتمانی کمتر از ۴ طبقه و تعداد ۱۰ نفر معادل ۳/۳ درصد در منازل سازمانی و تعداد ۵ نفر معادل ۱/۶ درصد در خانه آپارتمانی بیشتر از ۴ طبقه و ۱۲۶ نفر معادل ۴۱/۲ درصد نیز ساکن منازل ویلایی بودند و در قسمت مهندسين طراح، تعداد ۶ نفر معادل ۲۰ درصد ساکن خانه آپارتمانی کمتر از ۴ طبقه و کسانی که در خانه‌های سازمانی زندگی کنند وجود نداشتند و تعداد ساکنین خانه آپارتمانی بیشتر از ۴ طبقه ۷ نفر معادل ۲۳/۳۳ درصد و تعداد ساکنین خانه‌های ویلایی ۱۷ نفر معادل ۵۶/۶۶ درصد بودند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. شکل سکونت پاسخ دهندگان

	شهروندان		مهندسين طراح	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خانه آپارتمانی (کمتر از ۴ طبقه)	۱۶۵	۵۳/۹	۶	۲۰
خانه سازمانی	۱۰	۳/۳	۰	۰
خانه آپارتمانی (بیشتر از ۴ طبقه)	۵	۱/۶	۷	۲۳/۳۳
ویلایی	۱۲۶	۴۱/۲	۱۷	۵۶/۶۶
سایر	۰	۰	۰	۰
کل	۳۰۶	۱۰۰	۳۰	۱۰۰

باتوجه به اطلاعات بدست آمده از جدول (۱۱) مشاهده شد که متغیر عوامل معنایی برای شهروندان معادل ۳/۳۱۳۷ و برای مهندسين طراح معادل ۳/۲۶۲۴ و متغیر عوامل فعالیتی برای شهروندان معادل ۳/۱۵۲۱ و برای مهندسين طراح معادل ۳/۱۰۳۶ و متغیر عوامل کالبدی و فیزیکی برای شهروندان معادل ۲/۶۷۳۵ و برای مهندسين طراح معادل ۲/۴۶۸۳ بوده است. عوامل معنایی دارای بیشترین مقدار میانگین و عوامل فعالیتی در رتبه دوم و عوامل کالبدی و فیزیکی در رتبه سوم برای هر دو بخش شهروندان و مهندسين طراح می باشد. این بدان معنی است که از نظر پاسخ دهندگان به پرسشنامه، عوامل معنایی بیشترین تأثیر را در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی دارا می باشد. باتوجه به اینکه عوامل معنایی به عواملی مانند تصویر ذهنی، تعلق مکانی و خوانایی تقسیم می شود و آن ها نیز به عواملی مانند تجسم، نمادگرایی و خاطره، هویت خاص، ظرافت و ریزه کاری مکان، پیداکردن مسیر، وجود عناصر و نشانه های شاخص و شناخت مرز محله توسط ساکنین تقسیم می شوند، می توان گفت که در محله قصرالدشت تفکرات و نگرش هم شهروندان و هم مهندسين طراح، هنوز رنگ و بوی سنتی دارد و از اینرو اتفاقات و خاطراتی که در اذهان مردم محله از گذشته باقی مانده مهم و ارزشمند است. در چنین محلاتی که سنت های گذشته ارزشمند هستند، عواملی مانند تصورات ذهنی و وجود عناصر شاخص در محله جهت پیداکردن مسیرهای محله و شناخت مرزهای محله جهت امنیت و راحتی ساکنین، مهم و با ارزش است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. آماره های توصیفی میانگین متغیرهای تحقیق

	شهروندان			مهندسين طراح		
	تعداد	میانگین	میان	تعداد	میانگین	میان
معنایی	۳۰۶	۳/۳۱۳۷	۳/۳۱۳۷	۳۰	۳/۲۶۲۴	۳/۲۳۱۴
فعالیتی	۳۰۶	۳/۱۵۲۱	۳/۱۱۱۱	۳۰	۳/۱۰۳۶	۳/۱۲۹۱
کالبدی و فیزیکی	۳۰۶	۲/۶۷۳۵	۲/۶۳۶۴	۳۰	۲/۴۶۸۳	۲/۷۳۶۴

در ادامه با آزمون تخصصی آماری فریدمن به رتبه بندی میانگین های بدست آمده از متغیرهای تحقیق پرداخته شده است:

باتوجه به عدد بدست آمده برای سطح معناداری و از آنجا که کمتر از ۰/۰۱ می باشد نتیجه گرفته می شود که آزمون تفاوت میانگین های فریدمن برای متغیرهای تحقیق، معنادار می باشد. به زبان ساده میانگین های بدست آمده برای این سه متغیر بایکدیگر تفاوت دارند و پاسخ دهندگان به پرسشنامه در زمینه عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی رتبه بندی های متفاوتی را از ویژگی های مورد بررسی دارند. همانطور که در جدول (۱۲) مشاهده می شود، رتبه میانگین عوامل معنایی برای شهروندان ۲/۴۷ و برای مهندسين طراح ۲/۱۹ و رتبه میانگین عوامل فعالیتی برای شهروندان ۲/۲۰ و برای مهندسين طراح ۲/۰۳ و رتبه میانگین عوامل کالبدی برای شهروندان ۱/۳۳ و برای مهندسين طراح ۱/۰۸ بدست آمده است. هم برای شهروندان و هم برای مهندسين طراح، رتبه میانگین و نهایی عوامل معنایی، بیشتر از دیگر عوامل و رتبه میانگین و نهایی عوامل کالبدی، در رتبه سوم قرار دارد.

باتوجه به سنتی بودن بافت محله قصرالدشت و مهم بودن معیارهایی مانند تصویر ذهنی از محله و تعلق مکانی داشتن به محله و خوانایی مسیرهای محله، عوامل معنایی در شناسایی عوامل مؤثر در ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی از همه مهمتر بوده است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. رتبه بندی متغیرهای تحقیق

شهروندان			مهندسین طراح	
رتبه میانگین	رتبه نهایی	عوامل معنایی	رتبه میانگین	رتبه نهایی
۲/۴۷	۱	عوامل معنایی	۲/۱۹	۱
۲/۲۰	۲	عوامل فعالیتی	۲/۰۳	۲
۱/۳۳	۳	عوامل کالبدی و فیزیکی	۱/۰۸	۳

در جدول (۱۳) آزمون فریدمن برای رتبه بندی نشان می دهد که آماره مجذور کا برای شهروندان ۲۱۶/۷۵۸ و برای مهندسین طراح ۲۱۰/۱۸۵ می باشد و درجه آزادی ۲ و سطح معنی داری صفر برای هر دو گروه می باشد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. آزمون فریدمن برای رتبه بندی

شهروندان				مهندسین طراح		
تعداد	آمار مجذور کا	درجه آزادی	سطح معنی داری	تعداد	آمار مجذور کا	درجه آزادی
۳۰۶	۲۱۶/۷۵۸	۲	۰/۰۰۰	۳۰	۲۱۰/۱۸۵	۲

در ادامه و جدول های ارائه شده، ابتدا به بررسی میانگین های بدست آمده برای سؤال های هر متغیر به صورت جدا پرداخته می شود و سپس تمامی سؤالات بایکدیگر مورد مقایسه میانگین قرار می گیرند.

باتوجه به اطلاعات بدست آمده از جدول (۱۴) مشاهده می شود که برای شهروندان، میانگین عامل پیداکردن مسیر از بقیه عوامل بیشتر، وجود عناصر و نشانه های شاخص در رتبه دوم و قابلیت تجسم و هویت خاص و نمادگرایی و خاطره و شناخت مرز محله توسط ساکنان و ظرفیت و ریزه کاری مکان به ترتیب در رتبه های سوم تا هفتم قراردارند، و برای مهندسین طراح، عامل هویت خاص در رتبه نخست، و وجود عناصر و نشانه های خاص و نمادگرایی و خاطره و ظرفیت و ریزه کاری مکان و قابلیت تجسم و پیداکردن مسیر و شناخت مرز محله توسط ساکنین به ترتیب در رتبه دوم تا هفتم قرار دارند (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. ررسی سؤالات عوامل معنایی

شهروندان		مهندسین طراح	
سؤال	میانگین	سؤال	میانگین
پیدا کردن مسیر	۴/۲۵	هویت خاص	۴/۱۲
وجود عناصر و نشانه های خاص	۳/۴۷	وجود عناصر و نشانه های خاص	۳/۷۷
قابلیت تجسم	۳/۴۳	نمادگرایی و خاطره	۳/۵۲
هویت خاص	۳/۲۸	ظرافت و ریزه کاری مکان	۳/۱۶
نمادگرایی و خاطره	۲/۹۹	قابلیت تجسم	۲/۷۸
شناخت مرز محله توسط ساکنین	۲/۹	پیدا کردن مسیر	۲/۶۹
ظرافت و ریزه کاری مکان	۲/۸۸	شناخت مرز محله توسط ساکنین	۲/۵۹

باتوجه به اطلاعات بدست آمده از جدول (۱۵) ملاحظه شد که برای شهروندان، عامل جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله، بیشترین تأثیر را از دید پاسخ دهندگان بر ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی داشته و بعد از آن به ترتیب احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله، انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری، انتخاب محله برای ملاقات دوستان و آشنایان، شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، سهم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص، استفاده کردن مردم در سن های مختلف از محله، وجود تنوع امکانات و خدمات در محله و اتفاق افتادن فعالیت های مختلف در محله، در رتبه های دوم تا نهم قرار دارند. و برای مهندسین طراح، عامل وجود تنوع امکانات و خدمات در محله در رتبه نخست و عوامل انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری و انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان و سهم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص و استفاده کردن مردم در سن های مختلف از محله و جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله و اتفاق افتادن فعالیت های مختلف در محله و شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی و احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله، بترتیب در رتبه های دوم تا نهم قرار گرفتند (جدول ۱۵).

جدول ۱۵. سؤالات عوامل فعالیتی

شهروندان		مهندسین طراح	
سؤال	میانگین	سؤال	میانگین
جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله	۳/۷۸	وجود تنوع امکانات و خدمات در محله	۳/۶۲
احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله	۳/۵۸	انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری	۳/۴۱
انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری	۳/۵۸	انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان	۳/۲۷
انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان	۳/۵۷	سهم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص	۳/۱۹
شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی	۳/۲۰	استفاده کردن مردم در سن های مختلف از محله	۳/۰۲
سهم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص	۲/۸۰	جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله	۲/۷۶
استفاده کردن مردم در سن های مختلف از محله	۲/۷۸	اتفاق افتادن فعالیت های مختلف در محله	۲/۶۲
وجود تنوع امکانات و خدمات در محله	۲/۵۷	شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی	۲/۴۷
اتفاق افتادن فعالیت های مختلف در محله	۲/۴۹	احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله	۲/۳۹

باتوجه به اطلاعات بدست آمده از جدول (۱۶) ملاحظه شد که برای شهروندان، عامل ارتباط فیزیکی در رتبه نخست و بعد از آن ارتباط بصری، پارکینگ، حمل و نقل عمومی، تجهیزات شهری، محل کار، مبلمان شهری، خدمات تفریحی، ترافیک، پیاده روها و خدمات اجتماعی به ترتیب در رتبه دوم تا یازدهم قرار دارند. و برای مهندسین طراح، عامل تجهیزات شهری در رتبه نخست و عوامل حمل و نقل عمومی و خدمات اجتماعی و خدمات تفریحی و مبلمان شهری و ترافیک و پیاده روها و محل کار و ارتباط فیزیکی و پارکینگ و ارتباط بصری بترتیب در رتبه های دوم تا یازدهم قرار گرفتند (جدول ۱۶).

جدول ۱۶. سؤالات عوامل کالبدی، فیزیکی

شهروندان		مهندسین طراح	
سؤال	میانگین	سؤال	میانگین
ارتباط فیزیکی	۳/۱۲	تجهیزات شهری	۳/۲۲
ارتباط بصری	۳/۰۴	حمل و نقل عمومی	۳/۱۱
پارکینگ	۳	خدمات اجتماعی	۳/۰۷

۲/۷۵	خدمات تفریحی	۲/۸۶	حمل و نقل عمومی
۲/۶۳	مبلمان شهری	۲/۸۳	تجهیزات شهری
۲/۶۰	ترافیک	۲/۸۱	محل کار
۲/۵۶	پیاده روها	۲/۷۴	مبلمان شهری
۲/۳۵	محل کار	۲/۴۰	خدمات تفریحی
۲/۲۱	ارتباط فیزیکی	۲/۲۴	ترافیک
۲/۱۶	پارکینگ	۲/۱۹	پیاده روها
۲/۰۸	ارتباط بصری	۲/۱۸	خدمات اجتماعی

باتوجه به بررسی تمامی سؤالات، در جدول (۱۷) ملاحظه شد که برای شهروندان، میانگین عامل پیداکردن مسیر، از دید پاسخ دهندگان در رتبه نخست و جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله، احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله، انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری، انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان، وجود عناصر و نشانه های شاخص، قابلیت تجسم، هویت خاص، شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ارتباط فیزیکی، ارتباط بصری، پارکینگ، نمادگرایی و خاطره، شناخت مرز محله توسط ساکنان، ظرافت و ریزه کاری مکان، حمل و نقل عمومی، تجهیزات شهری، محل کار، سهیم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص، استفاده کردن مردم در سن های مختلف از محله، مبلمان شهر، وجود تنوع امکانات و خدمات در محله، اتفاق افتادن فعالیت های مختلف در محله، خدمات تفریحی، ترافیک، پیاده روها و خدمات اجتماعی به ترتیب در رتبه های دوم تا بیست و هفتم اهمیت قرار دارند. و برای مهندسین طراح، عامل هویت خاص در رتبه نخست و عوامل وجود عناصر و نشانه های خاص، وجود تنوع امکانات و خدمات در محله، نمادگرایی و خاطره، انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری، انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان، تجهیزات شهری، سهیم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص، ظرافت و ریزه کاری مکان، حمل و نقل عمومی، خدمات اجتماعی، استفاده کردن مردم در سن های مختلف از محله، قابلیت تجسم، جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله، خدمات تفریحی، پیدا کردن مسیر، مبلمان شهری، اتفاق افتادن فعالیت های مختلف در محله، ترافیک، شناخت مرز محله توسط ساکنین، پیاده روها، شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله، محل کار، ارتباط فیزیکی، پارکینگ و ارتباط بصری به ترتیب در رتبه های دوم تا بیست و هفتم قرار گرفتند (جدول ۱۷).

جدول ۱۷. بررسی تمام سؤالات پرسشنامه

شهروندان	مهندسین طراح
سؤال	میانگین
پیداکردن مسیر	۴/۲۵
جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله	۳/۷۸
احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله	۳/۵۸
انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری	۳/۵۸
انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان	۳/۵۷
وجود عناصر و نشانه های شاخص	۳/۴۷
قابلیت تجسم	۳/۴۳
هویت خاص	۳/۲۸
شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی	۳/۲۰
ارتباط فیزیکی	۳/۱۲
میانگین	سؤال
۴/۱۲	هویت خاص
۳/۷۷	وجود عناصر و نشانه های خاص
۳/۶۲	وجود تنوع امکانات و خدمات در محله
۳/۵۲	نمادگرایی و خاطره
۳/۴۱	انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری
۳/۲۷	انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان
۳/۲۲	تجهیزات شهری
۳/۱۹	سهیم شدن با هم محله ای ها در تجارب خاص
۳/۱۶	ظرافت و ریزه کاری مکان
۳/۱۱	حمل و نقل عمومی

۳/۰۷	خدمات اجتماعی	۳/۰۴	ارتباط بصری
۳/۰۲	استفاده کردن مردم در سن‌های مختلف از محله	۳	پارکینگ
۲/۷۸	قابلیت تجسم	۲/۹۹	نمادگرایی و خاطره
۲/۷۶	جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله	۲/۹	شناخت مرز محله توسط ساکنین
۲/۷۵	خدمات تفریحی	۲/۸۸	ظرافت و ریزه‌کاری مکان
۲/۶۹	پیدا کردن مسیر	۲/۸۶	حمل و نقل عمومی
۲/۶۳	مبلمان شهری	۲/۸۳	تجهیزات شهری
۲/۶۲	اتفاق افتادن فعالیت‌های مختلف در محله	۲/۸۱	محل کار
۲/۶۰	ترافیک	۲/۸	سهیم شدن با هم‌محله‌ای‌ها در تجارب خاص
۲/۵۹	شناخت مرز محله توسط ساکنین	۲/۷۸	استفاده کردن مردم در سن‌های مختلف از محله
۲/۵۶	پیاده روها	۲/۷۴	مبلمان شهری
۲/۴۷	شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی	۲/۵۷	وجود تنوع امکانات و خدمات در محله
۲/۳۹	احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله	۲/۴۹	اتفاق افتادن فعالیت‌های مختلف در محله
۲/۳۵	محل کار	۲/۴	خدمات تفریحی
۲/۲۱	ارتباط فیزیکی	۲/۲۴	ترافیک
۲/۱۶	پارکینگ	۲/۱۹	پیاده‌روها
۲/۰۸	ارتباط بصری	۲/۱۸	خدمات اجتماعی

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت محله قصرالدشت شیراز با تأکید بر مؤلفه هویت مکانی جهت ارتقاء شرایط کیفی این محله، سعی داشته است تا با شناخت مفهوم کیفیت محیط شهری، و با بررسی ادبیات مربوطه و جوانب مختلف آن، و با تطبیق نظرات شهروندان و مهندسين طراح، با روش توصیفی-تحلیلی، شاخص‌های تأثیرگذار بر میزان کیفیت این محدوده را شناسایی نماید.

با توجه به شاخص‌های بیان شده، معیارهایی برای تعیین اجزاء و عناصر تأثیرگذار بر ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی در نظر گرفته شد که برخی از آن‌ها نقش مهمتری در محله داشتند. با توجه به مطالعات صورت گرفته در فضای مورد نظر، معیارها به سه دسته کلی تقسیم شدند که عبارتند از: ۱- عوامل معنایی ۲- عوامل فعالیتی ۳- عوامل فیزیکی و کالبدی که هر کدام از آن‌ها نیز به زیرمعیارهایی تقسیم شدند.

باتوجه به نتایج بدست آمده از پژوهش می‌توان نتیجه گرفت:

۱- برای عوامل معنایی ملاحظه شد که برای شهروندان عامل «پیدا کردن مسیر» و برای مهندسين طراح عامل «هویت خاص» بیشترین تأثیر را از دید پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه بر ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی داشته است.

۲- برای عوامل فعالیتی ملاحظه شد که برای شهروندان عامل «جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله» و برای مهندسين طراح عامل «وجود تنوع امکانات و خدمات در محله» بیشترین تأثیر را از دید پاسخ‌دهندگان بر ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی داشته است.

۳- برای عوامل کالبدی و فیزیکی ملاحظه شد که برای شهروندان عامل «ارتباط فیزیکی» و برای مهندسين طراح عامل «تجهیزات شهری» بیشترین تأثیر را از دید پاسخ‌دهندگان بر ارتقاء کیفیت محیطی محلات شهری با تأکید بر هویت مکانی داشته است.

با توجه به اطلاعات بدست آمده از پژوهش و ترکیب زیر معیارهای هر سه معیار اصلی مشخص شد که؛ برای شهروندان عوامل پیدا کردن مسیر، جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله، احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله، انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری، انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان، وجود عناصر و نشانه‌های شاخص، قابلیت تجسم، هویت خاص، شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ارتباط فیزیکی، ارتباط بصری، پارکینگ، نمادگرایی و خاطره، شناخت مرز محله توسط ساکنین، ظرافت و ریزه کاری مکان، حمل و نقل عمومی، تجهیزات شهری، محل کار، سهم شدن با هم محله‌ای‌ها در تجارب خاص، استفاده کردن مردم در سن‌های مختلف از محله، مبلمان شهری، وجود تنوع امکانات و خدمات در محله، اتفاق افتادن فعالیت‌های مختلف در محله، خدمات تفریحی، ترافیک، پیاده روها، خدمات اجتماعی بترتیب در اولویت یک تا بیست و هفتم قرار گرفتند و برای مهندسين طراح نیز عوامل هویت خاص، وجود عناصر و نشانه‌های خاص، وجود تنوع امکانات و خدمات در محله، نمادگرایی و خاطره، انتخاب محله برای قرار ملاقات کاری، انتخاب محله برای ملاقات با دوستان و آشنایان، تجهیزات شهری، سهم شدن با هم محله‌ای‌ها در تجارب خاص، ظرافت و ریزه کاری مکان، حمل و نقل عمومی، خدمات اجتماعی، استفاده کردن مردم در سن‌های مختلف از محله، قابلیت تجسم، جریان داشتن زندگی پس از غروب در محله، خدمات تفریحی، پیدا کردن مسیر، مبلمان شهری، اتفاق افتادن فعالیت‌های مختلف در محله، ترافیک، شناخت مرز محله توسط ساکنین، پیاده روها، شباهت اهالی محله از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، احساس سرزندگی و نشاط داشتن هنگام پیاده روی در محله، محل کار، ارتباط فیزیکی، پارکینگ، ارتباط بصری بترتیب در رتبه یک تا بیست و هفتم قرار گرفتند.

راهکارها و پیشنهادات مؤثر در جهت ارتقاء محله با توجه به تطبیق نظر شهروندان و مهندسين طراح به صورت زیر پیشنهاد می‌شوند؛

۱- در بعد معنایی:

- ارتقاء کیفیت‌های منظر در راستای شکل‌گیری تصویر منسجم از محدوده در ذهن اهالی محله.
- ایجاد و تقویت عناصر شاخص محله در راستای تشکیل شخصیت محله.
- حفظ اسامی و نام‌های دیرپای خیابان اصلی و اجزاء آن.
- استفاده از توالی نشانه‌ها در معابر بین بافت‌های مختلف مسکونی جهت افزایش انسجام ادراکی آنها.
- افزایش خوانایی در محله.
- تعریف و تقویت ورودی محلات و مرزهای تعریف کننده در محله قصرالدشت.
- در نظر گرفتن مقیاس انسانی در طراحی کالبدی توده‌ها و فضاهای محله.
- ایجاد گشودگی در طول مسیرهای محله در نقاطی با تمرکز فعالیت بیشتر.
- استمرار و پیوستگی نماها، پیوستگی فضایی و پوشش گیاهی به منظور برقراری ارتباط مناسب بین کاربری‌های جاذب در محله در طول خیابان‌ها و تقاطع‌های فعالیتی.
- ارتقاء حس تعلق اجتماعی ساکنین محله.

- گسترش فرهنگ گفتگو در محله و تقویت احساس مسئولیت پذیری در ساکنان محله از طریق برگزاری جشن ها و مراسم آیینی با کیفیت بالا در محله.
- افزایش فعالیت های گروهی ساکنان، به منظور تقویت روحیه جمع گرایی و گسترش شبکه ارتباطی همسایگان به منظور افزایش حس تعلق اجتماعی آن ها به محل زندگی خود.

۲- در بعد عوامل فعالیتی:

- تقویت مولفه های بالفعل و بالقوه سرزندگی در عرصه های عمومی و افزایش تنوع و گوناگونی.
- تقویت فضاهای سبز عمومی به عنوان عامل ایجادکننده بستر تعاملات اجتماعی و سرزندگی.
- ایجاد بستر مناسب برای حضور زنان در همه اوقات شبانه روز.
- جانمایی کاربری های تجاری روزانه و فعال در نقاط مختلف محرواصلی.
- طراحی فضاهای پویا و ایستا در طول محرواصلی و فضاهای باز.
- استقرار فعالیت های تفریحی در فضاهای عمومی موجود در محله مانند کافه های خیابانی، و غیره.
- حضور فعالیت های متنوع فرهنگی و اجتماعی (مانند فروش کتاب، فیلم و .. در کنار کاربری های خوراکی و خرده فروشی ها، حضور صنایع دستی و غیره) در طول خیابان ها.

- تقویت پیوند اجتماعی شهروندان و تشویق تعاملات اجتماعی اهالی محله قصرالدشت.
- ایجاد فضاهای عمومی و سبزه در جهت افزایش تعاملات رو در رو و چهره به چهره.
- ایجاد فضاهای عمومی مشارکت همسایگی میان چندساختمان جهت افزایش تعاملات اجتماعی.

۳- در بعد عوامل کالبدی و فیزیکی:

- ایجاد و استقرار خدمات مختلف در سطح محله باتوجه به توان جمعیتی.
- ارتقاء کیفیت مراکز فرهنگی موجود.
- طراحی و افزایش کاربری های ورزشی و تفریحی.
- ارتقاء کیفیت وضعیت فضای سبز و پارک های محله موجود در سطح محدوده.
- توزیع مناسب کاربری های گذاران اوقات فراغت در باغات و فضاهای سبز در این محله.
- طراحی مسیر پیاده در گذر تاریخی و فرهنگی همجوار باغ های این محله.
- بهبود ارتباطات و دسترسی های فیزیکی و بصری در محله قصرالدشت.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Introduction

Urban neighborhoods are among the most tangible arenas where cultural identities and social belonging take shape. These micro-units of urban life embody traditions, values, and collective memories, often becoming the first point of interaction through which individuals experience cultural identity and strengthen their sense of community. Historically, the neighborhood has been the smallest civic unit after the family, where moments of human life, values, and spiritual traditions have been deeply embedded in daily practices. In Iran, neighborhood culture has endured across centuries, resisting the homogenizing tendencies of modern urban planning and preserving dimensions of identity despite the expansion of large-scale urban projects (1).

However, the rapid growth of cities has raised concerns over declining urban environmental quality, leading to crises of place identity. This erosion of identity manifests in reduced satisfaction with urban spaces and weakened social ties among residents. Place identity has emerged as an important theoretical and practical concern in urban studies, particularly due to its connections with environmental perception, attachment, and memory. Environmental perception, understood as the process through which individuals interpret and select stimuli from their surroundings, is shaped by cultural and structural values and mediates the human–environment relationship (2). This process highlights how environmental features contribute to development, growth, and learning (3).

Environmental quality, as a subset of quality of life, combines both quantitative and qualitative aspects of the urban experience. Urban planners emphasize that environmental quality is essential to regional and social planning, connecting directly to concepts such as quality of life, diversity of social spaces, physical characteristics, activities, place attachment, and urban identity (4). Place quality also encompasses positive personal experiences in specific settings, such as family and social

relationships, historical heritage, recreational opportunities, and local employment. These factors illustrate the interconnection between personal development, life satisfaction, and collective urban identity.

The Iranian-Islamic model of progress further situates urban identity within a broader vision of cultural and civilizational development. Rooted in Islamic principles, this model highlights architecture and urbanism as foundations for sustainable planning and cultural continuity (5). Within this context, neighborhoods such as Qasr al-Dasht in Shiraz serve as case studies for examining how place identity can enhance environmental quality and sustain cultural memory.

Scholars in phenomenology and environmental psychology have emphasized that identity is shaped through lived experiences and personal or collective memories of place. For instance, Proshansky and colleagues described place identity as emerging through daily practices and specific events within residential settings, while others highlighted how mental images and symbolic associations form a core of identity (8). Bahrami argued that memories and subjective perceptions create place meanings beyond physical and functional attributes (9). The broader literature further associates place identity with environmental perception, memory, symbolism, and social interactions (7). These insights reinforce the notion that urban form and social processes co-evolve, generating distinctive neighborhood identities.

Theoretical models of environmental quality emphasize three dimensions: physical-spatial factors such as connectivity, scale, and accessibility (11); semantic factors such as readability, symbolism, and collective memory (12); and activity-based factors such as social interaction, diversity of use, and vitality (4). These categories together inform a comprehensive understanding of how environmental quality and place identity intersect. Additionally, international scholars such as Bernard (13) and others have identified core urban design qualities including vitality, accessibility, readability, flexibility, and social inclusivity, all of which resonate with contemporary debates in Iran.

In light of these theoretical foundations, the present study focused on Qasr al-Dasht neighborhood in Shiraz, one of the city's oldest districts with rich cultural and historical significance. The research sought to comparatively identify factors influencing environmental quality improvement, with emphasis on place identity, from the perspectives of both residents and design engineers.

Methods and Materials

This study employed a descriptive-analytical approach to evaluate environmental quality indicators in the Qasr al-Dasht neighborhood of Shiraz. The indicators were drawn from existing definitions and concepts of environmental quality and the stages of place identity formation. Based on these, three overarching categories were developed: physical factors, activity-related factors, and semantic factors, each further divided into sub-indicators.

A structured questionnaire was designed using a 5-point Likert scale to assess the perceived desirability of each indicator. The statistical population consisted of 306 residents of the neighborhood and 30 design engineers, selected through simple random sampling. Reliability was tested through Cronbach's alpha, yielding values above 0.70 for all variables, confirming internal consistency. Content validity was established through expert review.

SPSS software was used for data analysis. Descriptive statistics were applied to characterize the demographic profile of respondents, while the Friedman test was conducted to rank indicators and determine their relative importance in improving neighborhood quality.

Findings

The reliability analysis indicated Cronbach's alpha values exceeding 0.75 for all categories, confirming strong reliability. Descriptive statistics showed that among residents, 40.2% were women and 59.8% men, with most respondents aged between 31 and 55 years. The majority of residents held at least a diploma, while among design engineers, nearly half held bachelor's

degrees and over half had postgraduate education. Occupationally, residents included employees, students, homemakers, and retirees, while all engineers were practicing professionals with official design licenses.

Regarding housing, 53.9% of residents lived in low-rise apartments, 41.2% in detached houses, and a minority in high-rise or organizational housing. More than half of residents had lived in the neighborhood for over five years, indicating a high level of stability, while design engineers typically had shorter residence durations. In terms of ownership, 51% of residents were owners, compared with 70% of engineers.

Analytical results revealed significant differences across the three categories of factors. For residents, semantic factors recorded the highest mean (3.14), followed by activity factors (3.15) and physical factors (2.67). For design engineers, semantic factors also ranked highest (2.62), followed by activity (2.04) and physical factors (2.46). Friedman test results confirmed these differences as statistically significant.

Within semantic factors, residents prioritized “wayfinding” as the most influential element, while design engineers highlighted “unique identity.” Among activity factors, residents ranked “neighborhood life after sunset” as most important, while engineers emphasized “diversity of facilities and services.” For physical factors, residents stressed “physical connectivity,” whereas engineers focused on “urban equipment.”

Further analysis of all indicators combined showed that residents considered wayfinding, evening vitality, walking vitality, and social meeting opportunities as top priorities. Engineers, however, gave greatest weight to unique identity, symbolic features, and diversity of services. Despite differences, both groups acknowledged the importance of identity-related indicators such as memory, symbolism, and distinctive neighborhood features.

Discussion and Conclusion

The comparative findings highlight that both residents and design engineers view semantic factors as central to improving environmental quality. However, while residents emphasize tangible and experiential elements such as wayfinding and everyday neighborhood vitality, engineers give greater priority to abstract qualities like unique identity and symbolic representation. This divergence reflects the dual nature of place identity: it is simultaneously constructed through lived experiences and professional design principles.

The results suggest that in traditional neighborhoods like Qasr al-Dasht, where cultural continuity and historical memory remain strong, semantic factors such as symbolism, identity, and memory are more significant than purely physical interventions. Residents rely on landmarks, memories, and familiar routes to sustain their sense of belonging, while engineers interpret identity through design elements and formal representations. Reconciling these perspectives requires integrated planning that values both lived experience and professional expertise.

The prominence of activity factors, particularly evening vitality and diversity of uses, underscores the role of social interaction in sustaining place identity. Environments that remain active after sunset not only enhance safety but also strengthen social cohesion and neighborhood belonging. Similarly, the diversity of facilities supports inclusivity and intergenerational use of space.

Physical factors, although ranked lower, still play an essential supporting role. Connectivity, infrastructure, and urban equipment provide the necessary framework for semantic and activity-based qualities to manifest. Neglecting physical conditions can undermine symbolic and social values, suggesting that balanced interventions across all three categories are essential.

Overall, the study demonstrates that improving environmental quality in historic neighborhoods requires strategies that integrate semantic, activity-based, and physical dimensions. Policymakers and planners must recognize that residents’

perceptions of memory, symbolism, and everyday vitality are as important as formal design considerations. By aligning the experiential knowledge of residents with the technical expertise of engineers, more holistic and culturally grounded strategies can be formulated.

In conclusion, the Qasr al-Dasht case study affirms that environmental quality enhancement depends on nurturing place identity through collective memory, symbolic representation, and active public life. Strengthening these dimensions fosters not only better urban environments but also deeper cultural continuity and community resilience.

References

1. Shabani MM, Mansouri SA, Barati N. Employing Local Components of Place to Increase Social Interactions in the Navab Residential Complex. *Journal of Bagh-e Nazar*. 2024;21(130).
2. Nasr T. The Role of "Urban Signs" in Analyzing the Components of "Identity" and "Culture" in the Image of the Iranian City (Case Study: The Cityscape of Shiraz). *Journal of Urban Identity*. 2017;11(29).
3. Sarmadi N, Sameh R. A Comparative Analysis and Evaluation of Architectural Graduate Curricula in American Universities. *Journal of Bagh-e Nazar*. 2024;21(131).
4. Goodnight C, Jeitner E. Sending out an SOS: being mindful of students need for quiet study spaces The Future of Library Space (Advances in Library Administration and Organization, V. 36). Bingley: Emerald Group Publishing Limited; 2016.
5. Nasr T. The Necessity of Attending to the Place of Islamic Wisdom in Urban Planning and Architecture for the Future of the Islamic-Iranian Progress Model Document. *Quarterly Journal of Regional Planning*. 2022;12(46).
6. Fink SB, editor Academic library safety and security administrators and staff need to be on the lookout. *Brick & Click Libraries Conference Proceedings*; 2017.
7. Araujo de Oliveira Vm. The study of urban form: different approaches. *urban morphology*. 6: Springer; 2020. p. 967-82.
8. Bagheri M, Talischi G, Moeini SM. Determining the Criteria for Judging the Design of Public Buildings in Government Offices. *Journal of Bagh-e Nazar*. 2024;21(131).
9. Bahrami F. The Impact of Institutional Factors on the Use of Blended Learning by Faculty Members. *Journal of Educational Technology*. 2023;17(3).
10. Nasr T. Explaining the Components of the Physical Identity of the Traditional Iranian City. *Armanshahr Architecture and Urban Planning*. 2017;10(21).
11. Alhindi S. Current teaching methods used for english language teaching in upper elementary school and the preferred ones for the lower grades. *Education and Linguistics Research*. 2021;7(1):35-52.
12. Amraei B. A Methodological Comparison of Product Design and Architectural Design Processes. *Journal of Bagh-e Nazar*. 2023;20(102).
13. Bernard J, Bocher E, Petit G, Paloinos S. Sky view factor calculation in urban context: computational performance and accuracy analysis of two open and free GIS tools. *Journal of Climate*. 2018;6(3):60.